

منطق الاسرار، بیان الانوار

روزبهان بقلی شیرازی

ترجمه، شرح: قاسم میرزا حور

www.ketab.ir

سرشناسه	روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر، ۹۵۲۲-۶۰۶ ق.
عنوان قراردادی	منطق الاسرار ببيان الانوار، فارسی.
عنوان و نام پدیدآور:	منطق الاسرار، ببيان الانوار، روزبهان بقلی شیرازی
مشخصات نشر	ترجمه، شرح قاسم میرآخوری.
ناشر	تهران: فهرست، ۱۳۹۳ -
تعداد جلد	۱۰۹۶ ص.
شابک	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۳۵۱ - ۸۲ - ۴ :
وضعیت فهرست‌نویسی	فهرست شده
یادداشت	بسمه به صورت زیرنویس.
موضوع	شهود
موضوع	شبهات
موضوع	فان متون اسلامی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	میرزا، قاسم، ۱۳۴۰ - مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۳ - ۱۳۴۰ - ۲۸۶ BP
رده‌بندی دیوپی	۲۹۷/۸۲ :

انتشارات فهرست

منطق الاسرار ببيان الانوار

نویسنده: روزبهان بقلی

ترجمه، شرح: قاسم میرآخوری

طرح جلد: مؤسسه آروین

حروفنگاری و صفحه‌آرایی: لادن جوانی

چاپ اول: ۱۳۹۳

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خ انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - پاساژ ظروفچی - پ ۱۲۹۶ - ط ۱۲ - واحد ۱۲

تلفن: ۴-۳۰۳۶۶۹۶ همراه: ۰۹۱۲۳۲۷۱۵۴۴

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۷	□ بنام معشوق ازلی آغاز می‌کنم.....
۲۱	□ نوشته اول (زندگی، آثار و اندیشه عرفانی روزبهان بقلی).....
۵۱	□ آغاز.....
۵۵	رنجش پایان صوفیان.....
۶۱	معه صوفیان.....
۶۵	صوفیان نامدار.....
۷۷	توصیف بزرگان.....
۸۴	مکاشفات پیش از سلسله (.....)
۸۹	مکاشفات صحابه.....
۹۷	مکاشفات عامر بن القی.....
۱۰۰	مکاشفات ابراهیم بن ادهم.....
۱۰۴	مکاشفات ابوعلی سندی.....
۱۰۸	مکاشفات ابویزدبسطامی.....
۲۴۳	مکاشفات ذوالنون مصری.....
۲۵۶	مکاشفات شاه شجاع کرمانی.....
۲۶۲	مکاشفات جنید بغدادی.....
۲۷۵	مکاشفات عمرو بن عثمان مکی.....
۲۸۰	مکاشفات حسین نوری.....
۳۰۷	مکاشفات ابوسعید خراز.....
۳۲۱	مکاشفات ابو حفص نیشابوری.....
۳۲۸	مکاشفات ابو محمد رویم.....
۳۳۸	مکاشفات یوسف بن حسین رازی.....
۳۵۵	مکاشفات ابو حمزه خراسانی.....
۳۶۱	مکاشفات سمنون محب.....
۳۶۴	مکاشفات سهل بن عبدالله تستری.....
۳۷۶	مکاشفات ابوبکر کتانی.....
۳۸۷	مکاشفات ابوالحسین مزین.....

۳۹۲	مکاشفات ابوالعباس ابن عطا
۴۰۳	مکاشفات ابو عبدالله صبیحی
۴۰۶	مکاشفات علی بن سهل صوفی
۴۱۸	مکاشفات ابوالحسین بنانی
۴۲۰	مکاشفات ابو عمرو دمشقی
۴۲۲	مکاشفات ابوالخیر تینانی
۴۲۷	مکاشفات ابوبکر شبلی
۴۷۵	مکاشفات ابوبکر واسطی
۵۰۸	مکاشفات ابوالاسم نصرآبادی
۵۱۲	مکاشفات ابوالعباس سیاری
۵۱۵	مکاشفات ابوعلی دقاق
۵۲۰	مکاشفات ابوالحسن خراسانی
۵۲۸	مکاشفات جعفر حدادی
۵۳۰	مکاشفات ابویحیی سمرقانی
۵۳۱	مکاشفات هشام بن عبدالشیرازی
۵۳۴	مکاشفات علی بن شلوویه
۵۳۵	مکاشفات ابوالحسین بن هند قریشی
۵۳۶	مکاشفات بندار بن حسین
۵۳۸	مکاشفات ابوسهل بیضاوی
۵۳۹	مکاشفات ابومزاحم شیرازی
۵۴۳	مکاشفات علی مائنی
۵۴۴	مکاشفات ابوبکر طمستانی
۵۴۸	مکاشفات ابراهیم اعرج
۵۵۰	مکاشفات ابوعلی نورباطی
۵۵۲	مکاشفات حسین بن منصور حلاج
۷۰۱	شرح رموز قرآن
۷۰۲	رموز نور محمد (ص)
۷۰۹	رموز فهم توحید
۷۱۳	رموز صفا
۷۱۵	رموز دایره
۷۲۱	رموز نقطه
۷۲۹	رموز ازل و نهفتگی

۷۸۴	رموز اراده خداوند
۷۸۵	رموز توحید
۷۸۶	رموز اسرار توحید
۷۸۹	رموز تنزیه
۷۹۱	رموز نفی و اثبات
۸۳۵	مکاشفات ابوالغریب اصفهانی
۸۳۸	مکاشفات ابوسعید ابوالخیر
۸۵۴	مکاشفات ابوالحسن حصری
۸۶۸	اصول احیاء و رموز صوفیان
۹۳۴	فهرست لغات

□ فهرستها

آیات، احادیث، سخن بزرگان، لغات و ترکیبات، اصطلاحات، ملل و نحل، راهنمای شرح
و توضیحات اشخاص، حایها، کتابنامه، نوشته اول و شرح و توضیحات

www.ketab.ir

به یاد دوست اندیشمندم جعفر سیل‌سپور که در میانه عمر
جهان را بدرود گفت و به حقیقت پیوست.
آدمی با سه ویژگی:

نیک‌اندیش و نیک‌گفتار و نیک‌کردار
را در رفتارش می‌درخشید و درستی در رفتارش هویدا بود
تا همه‌ی مردم مرگ در تحقیق و فراگیری.
مردی که در تنها در این روزگار غریب.
هرگاه مردی دیدی دست می‌داد عشق و مهر از دیدگانش
پدیدار می‌شد با شادی سخنانش سرمستم می‌کرد و مرا به
شور و شوق می‌آورد
دریغ! اکنون جسمش در گور است اما روانش جاودانه
به ژرفای بی‌کرانه‌ی هستی پیوسته است.
یادش در خاطره‌ها خواهد ماند
قسمت‌ها را بر آخوری

به نام معشوق ازلی آغاز می‌کنم

کتاب منطق الاسرار بیان الانوار اثر روزبهان بقلی شیرازی است. کتاب به زبان عربی است. گویند وقتی برای نخستین بار روزبهان به صورت یک صوفی به شیراز آمد سیرانه‌های شورانگیز او بعضی زاهدان عبوس و ظاهرپرست را برانگیخت تا اتابک سقری حکومت (۵۵۶-۵۴۳ / ۱۱۶۱-۱۱۴۸) را وادار کنند به سبب برقراری نظم عمومی روزبهان را تبعید کند. وقتی اتابک به روزبهان پیغام داد که شهر را ترک کند، روزبهان آنچنان قدر در معشوقی از خود نشان داد که اعجاب او را چنان برانگیخت که توبه کرد و از روزبهان درخواست کرد تا هفت‌ای دوبار در مسجد عتیق و در مسجد سقری که خود بانی آن بود، سخن گوید. روزبهان برای مدتی چنین کرد و بعد از آن از شیراز به پسا سفر کرد. در همین جا بر سر راهش شطحیات به نام منطق الاسرار بیان الانوار پرداخته وقتی اتابک سعید گله‌نگ (حکومت ۵۹۰-۵۷۰ / ۱۱۹۴-۱۱۷۵) از او دعوت می‌کند که به شیراز بازگردد، او آمده و کتاب را در شیراز به پایان می‌برد و بعد به درخواست و تقاضای یکی از دوستان شریعی به فارسی بر آن نگاشته و آن را تفسیر شطحیات نام می‌نهد. چنانکه خود گوید: در خیرم آمده که شطحیات مشایخ جمع کنم و آن را با الفاظ متصوفه به زبان عربی شرحی بگویم. استعانت از حق خواستم و بر وی توکل کردم در جمع آن. چون در آن علم خوض کردم و بنده ایشان مطالعه کردم، بیشترین شطحیات از آن سلطان عارفان بایزید و شاه مرغان شیخ حسین بن منصور حلاج یافتیم. آن از همه مشکل‌تر دیدم به خصوص از آن حلاج، به درجانی که وی غمناک شدم، از برای تلخیص این علم از طعن حاسدان رنج بسیار کشیدم تا کتابی در برآید علم شطح به فضل حق جمع کردم و آن را منطق الاسرار بیان الانوار نام نهادم. چون به شیراز آمدم و آن کتاب تمام کردم. از جمله یاران و مریدان عزیزی قرابتی از من تقاضا کرد که این کتاب شطح را به پارسی شرح بگوی. چون بنگریستم، حق صحبت او بر خود واجب دیدم.

اسعاف حق او را در این شرح خوض کردم، و از حق یاری خواستم. در اتمام باین

نعت تعالی الله جلّ شأنه به کرم عمیم و لطف قدیم مرا یاری داد. تا به زبان لطیف این کتاب را شرح کردم و اسماء رجال شطح در آن بگفتم.^۱

در مقایسه دو کتاب شطحیات و منطق الاسرار بیان الانوار مشاهده شد که این دو مشابهت‌های زیادی داشته اولی در برخی فصول دارای مطالب بیشتری است و دومی در بعضی فصول مطالب آن خلاصه‌تر نسبت به کتاب اول است. در مقایسه دو متن بعضی جملات و عبارت به عینه از متن اصلی منطق الاسرار بیان الانوار آورده شده به خصوص در قسمت مربوط به مکاشفات بایزید و مکاشفات حسین بن منصور حلاج و اصطلاحات و رموز صوفیان. از کتاب منطق الاسرار بیان الانوار دو نسخه خطی موجود است یکی نسخه لوی ماسینیون در پاریس: ماسینیون در مقاله‌ای به صورت گذرا مقایسه‌ای بین نسخه عربی کرده است. ولی بنا به نوشته هانری کرین نتوانسته بخش‌های مشابه و تفاوت‌های فارسی نسبت به روایت عربی را کاملاً شناسایی کند.^۲ نسخه دیگر از کتاب منطق الاسرار بیان الانوار در کتابخانه آستان قدس موجود است که بنده کپی از آن نسخه را در اختیار دارم و در مقایسه و مقابله با شرح شطحیات به ترجمه و شرح و توضیح آن همت گمارده و آن را با تدوین و تلفیق این دو کتاب، آن را مکاشفات صوفیان نام نهادم.

کتاب را با نوشته اول آغاز کرده‌ام که شرح به نسبت مبسوط از زندگی و آثار و اندیشه‌های عرفانی روزبهان بقلی-است. همچنان که در نوشته گفته‌ام پایگاه معنوی عرفان روزبهان بقلی را می‌توان در قرن دوازدهم و آغاز قرن سیزدهم (م) جستجو کرد. در این قرن سهروردی آیین پارسی باستان در باب نور و ظلمت از نو برپا می‌کند. اندیشه‌های محیی‌الدین ابن عربی که مبشر و پیام‌آور عرفان عامیانه بود در سرزمین ایران رواج داشته به طوری که حدود یکصد و سی شرح از یکصد پنجاه شرح و تفسیری که به زبان عربی و فارسی درباره یکی از مشهورترین آثار ابن عربی فصوص الحکم، نگاشته شده است، توسط ایرانیان است.

در ماوراءالنهر، نجم‌الدین کبری با طرح نوعی معرفت و ظایف الاعضا اندام‌های

۱. شرح شطحیات، ص ۵۲.

۲. همان، ص ۲۱.

لطیف و انوار ملون که حاصل تجارب و حالات معنوی است، در تصوف راهی تازه گشود. نجم‌الدین رازی، عزیزالدین نسفی و علاءالدوله سمنانی شاگردان او هستند. در همین قرن، فریدالدین عطار نیشابوری به نگارش اشعار عارفانه خویش به فارسی می‌پردازد، ظهور پدیده‌ی اشراقی بی‌بدیل در حوزه‌ی عرفان، جلال‌الدین مولوی در این عصر می‌باشد.

نمونه‌هایی از اندیشه‌های عرفانی است که روزبهان از آن بی‌تأثیر نبوده است. روزبهان عارفی بینابین حلاج و ابن عربی است، با این تفاوت که روزبهان با ریاضت‌کشی معاند با عشق انسانی و عشق ربانی موافق نیست. او معتقد است عشق ربانی و عشق انسانی هر دو یک عشق واحد می‌باشند، او برخلاف برخی از صوفیان که معتقد بودند عشق انسانی سیمای معنوی عشق ربانی را آلوده می‌کند، اعتقاد دارد که انسان به عنوان مظهر تعالی الهی و آیینه جمال حق است و از رهگذر عشق انسانی، عشق ربانی آشکار می‌گردد. جهان‌شناسی روزبهان نه عقل اول فیلسوفان و نه نفیس رحمانی ابن عربی، بلکه روح است. یعنی در سایه همین روح، ارواح قدسی به هستی می‌آیند.

بعد از نوشته اول به متن کتاب پرداخته: کتاب با سپاس و ستایش خدا آغاز گشته و به توصیف پروردگار می‌پردازد و آنگاه با درود به محمد (ص) و توصیف خلاصه‌وار پیامبر اسلام به مطلب صوفیان پرداخته و می‌گوید: چندین در دیوان‌های صوفیان و تصنیف‌های ایشان در علوم حقیقت مطالعه کردم. از این رو لازم ایشان را در سه طریق یافتیم: طریق اول علوم معاملات و ریاضت‌ها و آداب متجاهدات است که همه این‌ها نزدیک به علوم شریعت ظاهری در کتابهای علما و فقها موجود است، و این طایفه طعنه‌زنان در آن راهی ندارد، چون خداوند آن را در قرآن مندرج کرده و رسول او صلی الله علیه و آله بیان نموده است. قسمی و طریقی دیگر، علوم احوال و مقامات و مکاشفات است که نیز این طایفه در علوم شرعی مابین کتاب و سنت آمده است. طعن طاعنان از ساحت این علوم برآست طریق و قسم سوم علوم اسرار است که بر سه مرتبه است: مرتبه‌ی اول: توحید، مرتبه‌ی دوم معارف، مرتبه‌ی سوم علم حقایق و دقائق است. این مراتب نزد کسانی که حقایق و دقائق را فهم کنند، روشن و آشکار است. این افراد علمای محققین هستند که دیدگان باطنشان، در هر آنچه خداوند و پیامبرش از اسرار برآنان مکشوف داشته، ریشه دارد. اخبار این

علم در قرآن و سنت موجود است ولی اهل رسوم ظاهر علم به سبب کمی معرفتشان به باطن قرآن و حقایق که خداوند در آن اشاره کرده، آشنایی ندارند. چون این دانش ناپیدایی است. از آن رو پیامبر فرمود: «قرآن ظاهر و باطنی دارد و در هر حرفی حد و مطلعی وجود دارد. همه قرآن را بر شش حرف نازل فرمود: "شاف کاف"». در اعمال حق برخی از صوفیان صادق به سبب کمی فهم به احکام نفوذ کردند. خداوند ایشان را برگزید برای علم اخبار غیب و ادراک حقایق آن از میان همه حقایق غیر از حقایق که مرتبط به پیامبر است. برای ایشان در مراتب سه گانه علم حقیقت سه زبان وجود دارد: یکی زبان «صحو» در علوم «معارف» به کار می رود. زبان دوم، زبان «تمکین» است که به وسیله آن در علوم «توحید» پیش می گویند. زبان سوم، زبان «سکر» است، این زبان، زبان «رمز» و «اشاره» و «سلطان» است که به وسیله آن از علوم «حقایق» سخن می گویند. بعد گوید: زبان معارف برای اهل علم است که شامل برخی از صوفیان است زبان توحید برای اهل خاص، خاص علماست. پس سکر که علوم حقایق است که اگر تحقیق باطن های آن را درک کنند به جهت اضطرابشان در یاد علوم غیب در سلامت نمانند. و حقایق آن در قرآن به زبان تشابهات آمده است. در رباعی راسخان در تحقیق رؤیت مکاشفات احکام، علوم غیبی را دریابند. بعد گوید: این علوم از دیدگان اهل حجاب پوشیده و مستور است. این علم به اهل سکر و صوفیان عارف به شرط رؤیت مشکلات غیب و غیب الغیب اختصاص دارد. به همین سبب آنان در تفتن طمع و تهمت واقع شدند. سخنان ایشان را زشت و قبیح دانستند. به دلیل اینکه به هدایت نیافتند و گفتند این سخنان تهمت دیرینه است. حتی تا آنجا پیش رفتند که انکار کردند و به ریختن خونشان فرمان دادند و آنان را کشتند و به دارشان آویختند. سواران پاهایشان را بریدند و بر بدنشان شلاق زدند و آنان را سوزاندند و از خانه و کاشانه و رطبان بیرون کردند.

آنگاه روزیها در کتاب به رنج بی پایان صوفیان پرداخته و یک یک به طور خلاصه و موجز آنچه بر صوفیان در طول تاریخ رفته و روا داشته اند می پردازد. سپس به حکایت واقعه ای از صوفیان پرداخته و از قول ابوالفرج حکایت کند که با ذوالنون در کشتی بودم، گروهی دیگر دیدم که در کشتی دیگر نشسته بودند و به شتاب می رفتند، یکی گفت: اینها

می‌روند تا بر زندقه و کفر ذوالنون نزد سلطان گواهی دهند. ذوالنون گفت: پروردگارا اگر به دروغ گویند، ایشان را غرق کن، سخنش تمام نشده بود که کشتی ایشان واژگون شد، و همه غرق شدند. گفتم: مگر ایشان گناهکارند؟ گفت: ایشان حامل گناه بودند، اگر در قیامت شهید برخیزند بهتر از آن است که به عنوان شاهدان زور برخیزند. آنگاه هر دو دست بالا برد و گفت: به بزرگی و شکوهمندی ات قسم که هرگز بر آفریدگانت دعای بد نکنم. بعد در ادامه داستانی حکایت می‌کند که اعلام کردند تا صوفیان را بگیرند و همه را گردن بزنند. گروهی از آنان گریختند، نوری و ابو حمزه و دقاق را گرفتند. فرمان دادند که آنان را بکشند. جلاد شمشیر کشید، نخست نوری جلو آمد، جلاد گفت: این چه دلیری است؟ گفت: من بر یاران ایثار است و بر ما جوانمردی. جلاد گریست، فریاد برآورد. خلیفه حاضر گفت: تحقیق کن. نوری را خواستند. از او مسایل فقهی پرسیدند، درست جواب داد. همه با او بیگانه شدند. نوری را چنان گفت که علما نشنیده بودند و همه تعجب کردند. گفت: ای قاضی خداوند بندگان دارد که ایشان با حق گویند و از حق گویند و با حق نشینند و به حق خواهند رسید. به حق نوشند، جانشان در عیان عیان غرق است. به نور قدس در نور نام‌های خدا شده‌اند و بر حق، همه را فراموش کرده‌اند. قاضی گریست و نزد خلیفه رفت، گفت: اگر این مسلمان نیستند، در روی زمین مسلمانی نیست. همه را عزیز و با احترام آزاد کردند. رفای دیگر که رفته بودند برگردانند. این حکایت را واقعه‌ی صوفیان گویند.

آنگاه روزبهان به اختصار به وصف یک یک صوفیان نامدار و مشهور می‌پردازد و آنان را این چنین وصف کند: شیخ درویشان و رئیس متوکلان و زاهدان و عابدان، ابراهیم بن ادهم. دریای حقایق و زبان دقایق، ابوعلی سندی. شکر دریای تجرید، پرنده کاشانه تفرید، فاخته مست توحید ابویزید بسطامی، صاحب زمان توحید، خداوند کتاب نور و مصنف خزانه الحکمة و صندوق معرفت شاه بن شجاع ابوالفوارس و موسی و سید و شیخ اهل معرفت جنید. رکن مذهب، صاحب زبان مشاهده و مکاشفه، صاحب آیات و کرامات، استاد صوفیان، عمرو بن عثمان مکی. مسند عارفان و شمشیر شطاحان و رئیس واجدان و پیشرو مخلصان در زمان خویش، ابوالحسن نوری. سید وقت، ماه صوفیان، ابوسعید خراز. قنطره تصوف و دریای تألف، کشتی صفت، آرامش اهل محبت، سید

متکلمان و شاه جوانمردان، ابو حفص نیشابوری. معدن آیات و کرامات، عالم و شجاع قوم و کریم عارفان، دریای تحقیق و کشتی توحید، رویم بن احمد. غواص دریای عشق، حمام برج معرفت، قابل علم مجهول، سالک بیدای ملامت، عیار بازار محبت یوسف بن حسین ابویعقوب رازی. سید مستان معرفت و سند عاشقان تصوف، رئیس شطاحان ابو حمزه خراسانی. خورشید صوفیان و ظریف محبان، طبیب بیماران معرفت و سید مبارز محبت، سمنون محب. شهرستان تصوف، چراغ غیوب، نگهبان دلها، سهل بن عبدالله تهری. چراغ حرم، طاووس عارفان، ابوبکر کتانی. حافظ احوال، سید پرهیزکاران، طاووس حرم ابوالحسن مزین. چراغ حقیقت و سوار معرفت، ابو عبدالله شبیحی. محبت نرم و شاد خلق و خوی، علی بن سهل اصفهانی. آیینه قوم، میوه نورس معنا، ابو عمرو شمس. پیشرو صادقان، استاد سابقان، ابوالحسین بن بنان. صاحب آیات و کرامات، تاج صوفیان، ساقی آب رئیس عشاق ابوبکر شبلی. امام مردان معرفت، سید ابدال حقیقت، محمد بن موسی ابوبکر واسطی. صاحب علمین مقبول گروهها، ابوالقاسم نصرآبادی. پاکیزه راز، کریم لقا، طریف الشان، ابوالعباس سیاری. مبارز صدق قیامت، ابوعلی دقاق. شمس عشق، غواص دریای شوق، ابوالحسن خرقانی. شیخ مستان و شیر اهل عرفان، احمد بن یحیی ابوالعباس شیرازی. دریای بها و علم را سنا و شاه صفا ورود وفا، ابو محمد جعفر خدای غریب حال، نکته سنج و پارسا هشام بن عبدان شیرازی. مست و شیدا و صاحب کرامت و عبادت، علی بن شلو به. شمع وقت و عزیز قوم، روشنایی دیده‌ی عارفان ابوالحسن بن هند. باب فتوت و شیخ مروت و زبان اهل معرفت و روشن رو در محبت بُندار بن حسین. صاحب کرامات و آیات و صافی محمد ابوسهل بیضاوی. عالم و فاضل، پادشاه عالم و صاحب مستی و هیجان ابومزاحم شیرازی. داور و گوینده‌ی حق علی ماینی. دریای امان و نرگس معارف، شیخ عشاق، ابوبکر طمستانی. منبع اسرار و چراغدان انوار، ابوالیم اعرج. صاحب علم تجرید و تنزیه، زبان حقیقت، ابوعلی نور باطی. شطاح اصفهان و امیر اهل عراقات ابوالغریب. شریف قوم و راهنمای صوفیه، ابوسعید بن ابی الخیر. نگهبان قلوب و شهسوار غیوب، شجاع در معرفت و شاه در حقیقت، ابو عبدالله حصری. سیمرغ مغرب قرن ازل و سلم الابد، باغ معرفت یاسمین دوستی، گل حکمت صاحب مشهد

اعلی و مرغ باغ دیمومیت عالم غریب، ابوالمغیث، حسین بن منصور حلاج شهید دعوی و آتش معنا، سیمرخ قرن قاف ازل بود، خورشید سپیده دمان، قوام قدرت، خراب‌کننده دخمه تن، غواص دریای عدم، آن که شاهان معرفت در شأن معرفتش متحیر بودند. گاهی در پله قبول بود و گاهی در پله رد به میزان حدوثیت برمی‌کشیدند، ولی از جام محبت توحیدش نمی‌چشیدند. دریغا چنان مهتری را بی‌رسمان کشتند.

آنگاه گوید: اینان که وصف کردم در آسمان و زمین حجت حق هستند، بلاکش قدر، و رنگ، (فَاضِرٌ كَمَا صَبَرُ أُولُوا الْعِزِّ) (احقاف، آیه ۳۵) مرکب معاملات ابتلای ایشان است. ایشان خلیفه‌ی حق در زمین هستند، گنجینه‌ی اسرار در ملکِ چراغدان انوار باشند. بان سخن از درخت قدوس دارند.

در اینجا به توضیح کلمه شطح می‌پردازد و گوید: شطح در لغت عرب حرکت است، کسر ط، شطح، خانه‌ای را که آرد در آن خرد کنند مشطاح گویند به سبب حرکت زیادی که در آن باشد. و مقصود از شطح سخن صوفیان حرکت اسرار دلشان است و چون وجع بیرون رود و نور تجلی در صمیم دل آنان بالا گیرد، با اوصاف مباشرت و مکاشفه اسرار در انوار الهام که عقول ایشان را حادث شود، آتش شوق ایشان به معشوق الهی بکیزاند تا به سراپرده کبریا برسند و در عالم بها جولان کنند. چون شاهدان غیب و ضمیرات غیب غیب و اسرار عظمت ببیند، بی‌اختیار مستی در ایشان درآید، جان به جنبش درآید، سر به جوشش درآید، زبان به گفتن درآید، از صاحب وجد کلامی صادر شود از زبان حوال و ارتفاع روح در علوم مقامات که ظاهر آن متشابه باشد و عبارتی باشد آن کلمات را شایب یابند. چون آن را در رسوم ظاهر نشناسند و میزان آن نبینند، به انکار و طعن گویند و بپردازند. آنگاه روزبهان گوید: اصل شطح از سه سرچشمه است: سرچشمه شباهت به آن، حدیث و الهام اولیاء. آنچه در قرآن آمده است، ذکر صفات است و حروف الهجایی است و آنچه در حدیث آمده است: رؤیت التباس است و آنچه در الهام اولیاست، صفت حق به رسم التباس در مقام عشق و حقیقت توحید در معرفت و نکرات در مکریات. آنگاه گوید: خداوند با همه بندگان به زبان شریعت سخن گوید و با خاصان، به زبان حقیقت. روزبهان حروف مقطعه در آغاز سوره‌های قرآن مانند «الم» و «المص» و «الر» و «المر» و «کهیصص» و «طه» و «ق» را حروف تهجی خداوند می‌داند و در ادامه گوید: اینها از علم

مجهول است که مخصوص محمد (ص) و آدم و ابراهیم و موسی و عیسی و اسرافیل و جبرئیل و همچنین خواص صدیقان مثل صحابه و تابعان و اولیای مقرب و مشایخ متصوفه و عارفان عاشق است. و برای اهل ظاهر بهره‌ای از این اشارات به غیر از اقرار به آن نباشد. زیرا متشابهات را جز خداوند و راسخون در علم نداند.^۱

از اینجا به بعد روزبهان به مکاشفات پیامبر و صحابه می‌پردازد و در ادامه تا پایان کتاب به مکاشفات تک تک صوفیان نامدار از عامر بن القیس و ابراهیم ادهم گرفته تا ابوعلی سبلی، ابویزد بسطامی، ذوالنون مصری، شاه شجاع، جنید بغدادی، عمر بن عثمان، حسین نوری، ابوسعید خراسی، ابوحفص نیشابوری، ابومحمد روی، یوسف بن حسین راسی، ابوحمزہ خراسانی، سمون محب، سهل بن عبدالله تستری، ابوبکر کتانی، ابوالعباس ابن عطا، ابوعبدالله صبیحی، علی بن سهل صوفی، ابوالحسین بنانی، ابوعبدالله شافعی، ابوالخیر تیناتی، ابوبکر شبلی، ابوبکر واسطی، ابوالقاسم نصرآبادی، ابوالعباس سیاری، ابوعلی دقاق، ابوالحسن خرقانی، جعفر حذاء، ابویحیی شیرازی، علی بن محمد شیرازی، علی بن شلو، ابوالحسین بن هند قریشی، بندار بن حسین، ابوسهر بصری، ابوه‌احم شیرازی، علی مائنی، ابوبکر طمستانی، ابراهیم اعرج، ابوعلی نوریاط، علی بن منصور حلاج، ابوالغریب اصفهانی، ابوسعید ابوالخیر، ابوالحسن حسری می‌پردازد.

در پایان به برخی از اصطلاحات و رموز صوفیان اشاره و درباره‌ی هریک توضیح مختصری می‌دهد.

اما آنچه به متن از طرف این راقم اضافه شده است عبارتند از:

۱. مقدمه و نوشته اول که به تفصیل به شرح زندگی و آثار و اندیشه‌های عرفانی روزبهان بقلی پرداخته شده است.

۲. شرح حال و زندگینامه‌ی صوفیان.

۳. در پایان مکاشفات هر صوفی و عارف، سخنان عارفانه و مکاشفات دیگران عارف و صوفی از منابع مختلف آورده شده است که منابع آن در کتابنامه پایان کتاب مندرج است.

۱. برای آگاهی بیشتر از کلمه شطح به نوشته اول (زندگی و آثار و اندیشه‌های عرفانی) نگارش اینجانب در همین کتاب مراجعه شود.

۴. شرح و توضیح با عنوان توضیحات در پایان مکاشفات هر عارف و صوفی آورده شده که شامل اصطلاحات و رموز و اشارات به کار گرفته شده در متن کتاب می باشد.
۵. در بیشتر جاها روزبها با رمز و اشاره به صورت استعاری از آیات در جهت بیان مقصود خویش استفاده کرده است. لذا آیات بکار برده شده در متن اعراب گذاری و در پاورقی به طور کامل و با ترجمه آورده شده تا خواننده با کل آیه آشنایی پیدا کند.
۶. احادیث و اقوال عربی به کار برده شده در متن اعراب گذاری و در پاورقی آن حدیث آن قول به صورت کامل و با ترجمه آورده شده و منابع آن نیز ذکر شده است.
۷. در قسمت اصطلاحات و رموز صوفیان با استفاده از کتاب دیگر روزبها بقلی به نام مشرب الابرار به دلیل توضیح روزبها آن اصطلاح را شرح کرده ام.
۸. لازم به توضیح است در ترتیب مکاشفات صوفیان آنچه مربوط به حسین بن منصور حلاج بود مکاشفات ارفانه تا روایات حلاج و نیز شرح رموز قرآن (طواسین) که میان آنها در متن فاصله افتاده بود. در یک جا تحت عنوان مکاشفات حسین بن منصور حلاج با شرح و توضیح مبسوط آورده ام.
۹. در پایان کتاب فرهنگی از دست که خاص روزبها بوده آورده ایم و در بخش فهرست ها: فهرست آیات، فهرست احادیث، سخن بزرگان و مشایخ، فهرست لغات و ترکیبات، فهرست اصطلاحات، فهرست ملل و نحل، فهرست راهنمای شرح و توضیحات، فهرست اشخاص، فهرست کتابها، فهرست جابها آورده شده است. در فهرست ترکیبات، ترکیباتی که روزبها برای بیان مندرجاتش از آنها بهره جسته که خاص خود اوست آن را آورده ایم، به عنوان مثال: اختر ملاح انی، خلوت دار قبه چرخ اعظم، سایه بال عصمت، میکده ی عشق، سیمرخ آشیان دو عالم، جان عشق، چتر دولت عشق، کام اردهای شهوت، شربخانه وصال، ادراک کنه ذات، ساقیان مجلس بهشت، میوه نورس معنا، مرغان بهشت قدم، پرنده ی کاشانه تفرید، شسته ی مست توحید، نرد دغای معشوق، حلقه ی زلف صفای بقا، راز تنزیه قدم، ساقیان مجلس بهشت، آتشکده ی تجلی، مسافر بیدای تجرید، ابلیس مکر حرز و تعویذ قدر، سدره افق قدم آفتاب ذات ازلی، مرغ باغ دیمومیت، صافی کشان ملکوت، عارف بی ریش و دستار، شهباز بوستان جبروت، خرابات بی سرمایگان، زایر تعالم جبروت، مزرعه ی حظایر

قدس، رؤیای صادقانه کشف نور غیب. کعبه زوار حق، خلوت دار قبه چرخ اعظم، نوای عندلیب «الست»، رخس خوش گام عشق، بتخانه آزر طبیعت، جام شراب محبت، سلسله‌ی صفای وحدت، مجذوب عشق قدم، حجله معراج، آشفته‌گان جمال قدم، شراب یکتایی، شرابخانه‌ی وصال، عزب خانه‌ی انانیت، آب خضر ازل و صدها ترکیبات دیگر.

کتابنامه که شامل همه منابع و مأخذی که از آنها در تدوین و ترجمه و شرح کتاب بهره رده‌ام می‌شود. در ترجمه و مقابله آیات از سه ترجمه آقایان بهاءالدین خرمشاهی، عبدالمهدی آیتی و محمد مهدی فولادوند استفاده نموده‌ام. در بخش احادیث و اقوال مشایخ از منابع بسیار بهره جسته‌ام از آن جمله: الانسان الكامل عزیزالدین نسفی، المصباح التصوفی، عبداللہ بن حمویہ تصحیح نجیب مایل هروی، انس الثائبن و صراط اللہ مبین احمد جام، تصحیح و تحشیه و مقدمه علی فاضل، اوراد الاحباب و فصول الآداب، ابوالمفاخر یحیی بن خلیفه، به کوشش ایرج افشار. تمهیدات عین القضاة همدانی، تصحیح عقیف عسیران، شرح التعرف لمذهب التصوف محمد مستملی بخاری، صوفی نامه (التصفیة فی بیان المصباح) اثر قطب‌الدین ابوالمظفر منصور بن اردشیر العبادی به تصحیح غلامحسین یوسفی، طبقات الصوفیه، خواجه عبداللہ انصاری هروی تصحیح محمد سرور مولایی، انوار المعارف، شهاب‌الدین سهروردی، ترجمه ابومنصور عبدالؤمن اصفهانی تصحیح قاسم انصاری، شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی به تصحیح و مقدمه هروی، کاشف الأسرار، نورالدین عبدالرحمن اسفراینی، کیمیای سعادت، ابوحامد ابو سعید غزالی، به کوشش خدیو جم، لمعات، جمال العارفین فخرالدین عراقی، مقدمه و تصحیح محمد خواجوی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة عزیزالدین محمود بن علی کاشانی، مبررات اسرار در زمزمورات داودی، نجم‌الدین رازی، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، مشارق الدراری، سیف‌الدین سعید فرغانی، مناهج الطالبین و مسالک الصادقین، سید محمد بخاری، نجم‌الدین محمود بن سعدالله اصفهانی، تصحیح نجیب مایل هروی، نفحات الانس جامی، به تصحیح و مقدمه و پیوست مهدی توحیدی‌پور، مناقب الصوفیه، قطب‌الدین ابوالمظفر العبادی، تصحیح نجیب مایل هروی مکاتبات عبدالرحمن

اسفراينى باعلاء الدوله سمنانى، تصحيح هرمان لندلت، مجالس سبعه، مولانا جلال الدين رومى، تصحيح توفيق سبحانى، كشف الحقايق عبدالعزيز بن محمد نسفى، به اهتمام و تعليق احمد مهدى دامغانى، روضة المذنبين و جنة المشتاقين، ابونصر احمد جام نامقى (ژنده پيل) مقابله و تصحيح مقدمه و توضيح على فاضل، رساله عشق و عقل، نجم الدين رازى به اهتمام و تصحيح تقى تفضلى، الكبير طبرانى، الزهد، بيهقى، حلية الاولياى ابونعيم اصفهانى، الاربعين الصوفيه، عبدالرحمن سُلَمى، مجمع، هيئتمى، الفتح، ابن حجر، جامع الصغير جلال الدين سيوطى، صحيح مسلم، و دهها منبع و ماخذ ديگر كه همه در قسمت كتابنامه آمده است.

در بخش تصحيح از منابع و ماخذ بسيارى استفاده كرده ام كه بخشى از آن عبارتند از: احياء عظام الدين، ابى حامد محمد غزالى به كوشش خديو جم. التعرف لمذهب اهل التصوف، ابوبكر محمد بن اسحاق كلابازى، اللمع فى التصوف، ابى نصر سراج طوسى، المعجم الصوفى، سراج الحكيم تعريفات جرجانى، ابراهيم الابيارى، فتوحات مكيه، محيى الدين ابن عربى، كتاب المحارب، ابوالحسن على بن عثمان هجوبرى، مثنوى معنوى جلال الدين محمد بلخى (مولوى) مشرب الارواح، روزبهان بقلى، شاهنامه فردوسى، ديوان حافظ، الانسان الكامل خير الدين نسفى، شرح مثنوى، فروزانفر، تمهيدات عين القضاة همدانى، تدبير الالهيه محيى الدين ابن عربى، نامه هاى عين القضاة همدانى، تذكرة الاولياى عطار يشاى، اسرار التوحيد فى مقامات شيخ ابوسعيد، تصحيح و تعليقات دكتور محمدرضا سميعى كشميرى، ترجمه رساله قشيره، عبدالكريم بن هوازن قشيرى، تحقيق بديع الزمان فروزانفر، تعريفات، على بن محمد جرجانى، تلبیس ابلیس، جمال الدين ابى الفرج عبدالرحمن بن محمد، ديوان عطار، به اهتمام و تصحيح تقى تفضلى، شرح گلشن راز، شمس الدين محمد لاهيجى، فصوص الحکم، محيى الدين ابن عربى، عوارف المعارف، شهاب الدين محمد بهروردى، كشف الحقايق، عبدالعزيز بن محمد نسفى، تفسير طبرى، قصص سورابى، اعلام قرآن خزاعلى، جامع الاسرار، مروج الذهب مسعودى، كشاف اصطلاحات الفنون، محمد على تهانوى، و دهها منبع ديگر كه در پايان كتاب به آن اشاره گرديده است.

در قسمت شرح حال و زندگينامه صوفيان از منابع متعددى بهره مند شده ام كه در ذيل به تعدادى از آنها مى پردازم: الاعلام خير الدين زركلی، صوفى نامه، قطب الدين عبادى به

تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، الملامتیه و الصوفیه و اهل الفتوة، ابو عبدالرحمان سلمی، اوراد الاحباب و فصوص الاداب، ابوالمفاخر یحیی باخزری، تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، جوامع آداب الصوفیه، ابو عبدالرحمان سلمی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ابونعیم اصفهانی، سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد ذهبی، صفة الصفوة، ابو الفرج ابن الجوزی، الطبقات الکبری، ابن سعد، طبقات الاولیاء، سراج الدین ابو حفص عمر بن علی بن احمد مصری، سیرت ابن خفیف، ابو الحسن دینمی، طبقات الصوفیه، ابو عبدالرحمن سلمی، طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری، عوارف المعارف، شهاب الدین عمر سهروردی، دائرة المعارف اسلامی، اثره فی صاحب، دانشنامه ایران و اسلام، دائرة المعارف تشیع، کشف المحجوب، ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، مناقب العارفين، شمس الدین احمد افلاکی، منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری، مرصاد العباد، نجم رازی، نفحات الانس، و فیات الاعیان شمس الدین احمد بن محمد (ابن خلکان)، دائرة المعارف بستانی، لغت نامه دهخدا، سنگسار طبر، دکتر محمد جعفر یاحقی، طرائق الحقایق، محمد معصوم شیرازی، جستجو در سیرت حمیدی، تاریخ بغداد، ابوبکر احمد خطیب بغدادی و دهها منبع دیگر که در قسمت کتاب به آن اشاره شده است.

در قسمت سخنان عارفانه صوفیاء بیشتر از این منابع استفاده نموده‌ام: احیاء علوم الدین امام محمد غزالی به کوشش حسن حبیبی و جم، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، محمد منور با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، رساله قشیریه، ابوالقاسم قشیری به تصحیح و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ابونعیم اصفهانی، سیرت ابن خفیف، ابوالحسن دینمی، مجموعه آثار حلاج، تحقیق، تدوین و ترجمه و شرح نگارنده، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، طبقات الصوفیه، ابو عبدالرحمان سلمی، محمد رضا شفیعی کدکنی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، عزالدین محمود بن علی کاشانی، مقدمه و تصحیح جلال همایی، منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری، شرح التعرف لمذهب التصوف، ابوابراهم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری، تصحیح و تحشیه محمد روشن، مرصاد العباد، نجم رازی به

اهتمام دکتر محمد امین ریاحی، مناقب الصوفیه، قطب الدین ابوالمظفر منصور بن اردشیر العبادی المروزی با مقدمه تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی، نفحات الانس عبدالرحمن جامی، تصحیح محمود عابدی، و ده ها منبع دیگر که در قسمت کتابنامه آورده شده است.

در اینجا لازم به توضیح است که فکر تدوین چنین کتابی سالها پیش زمانی که به تحقیق و ترجمه و شرح مجموعه آثار حلاج همت گمارده بودم به ذهنم خطور کرد. در تحقیقات خود درباره حلاج بارها و بارها تفسیر روزبها بقلی از طواسین و شطحیات و روایات حلاج را خوانده و دریافتم که او نیز مانند حلاج معتقد بود که انسان مظهر تجلی الهی و این اعمال پروردگار است و همانند حلاج میان عشق انسانی و عشق ربانی هیچ تفاوتی قائل نبود و هر دو را با حلاج می گفت عشق ربانی راز تجلی در هستی است. و همه عمر کوشش را معطوف به این نکته شد که صورت عشق انسانی را به صورت عشق ربانی پیوند زند. او همواره بر این اعتقاد راسخ خود پا می فشرد که آفرینش آشکار شدن جمال ربانی در چهره ی انسان است. بر این باور بود که چون از آغاز نوعی اتحاد ملکوتی میان پروردگار و انسان وجود دائمی است تا این هنگامی که عشق انسانی به نهایت خود رسد، چیزی جز عشق خدا به خویشتن و ریش باقی نمی ماند به تعبیر دیگر عشق مجازی مقدمه عشق حقیقی می شود و هیچ تفاوتی میان عشق انسانی و عشق ربانی وجود نداشته و هر دو یکی هستند.

بهر حال بعد از این دریافت که به صورت چکیده و به بیان آن اشاره کردم بیش از پیش شیفته روزبها بقلی شدم بخصوص سه کتاب ارزشمند *بهر ما شوقین*، *کشف الاسرار* و *مکاشفات الانوار* و نیز *مشرّب الارواح* که شرحی بر مقامات عرفان است مرا بیشتر با مذهب عاشقانه و عارفانه او آشنا کرد. از این رو با بدست آوردن نسخه ای از کتاب *منطق الاسرار ببيان الانوار* که به زبان عربی و تقریباً همان کتاب شرح شطحیات ربانی در بعضی فصل ها کمتر از شرح شطحیات است و تاریخ تألیف آن همانطور که گفتیم پیش تر بوده و بنا به درخواست یکی از مریدان به شرح فارسی آن اقدام می کند. با مطالعه این کتاب و مطابقت آن با شرح شطحیات بر آن شدم ضمن تلفیق این دو متن به شرح و توضیح مبسوط آن بپردازم و کتاب این شد که در پیش رو دارید.

آنکه در این راه و تا پایان کار همدل و همراه من بوده کسی جز همسر مهربانم سرکار خانم لادن جوانی نبود که مرا در این مهم یاری داد و مرا برای همیشه مدیون خوبیهای خود کرد. از فرزندانم آروین نیز که نهال نوپای عشق را در من به پختگی رسانید و با وجودش مرا با سرچشمه ازلی و بی پایان و جوشان مذهب عشق آشنا کرد تشکر می کنم، امیدوارم او نیز روزی میسر مذهب عشق شود. آمین.

طالب معرفت و وصال حق

قاسم میرآخوری

www.ketab.ir